

### متن پرسش

سلام استاد: ان شاءالله که حالتون خوب باشه. ببخشید چرا تا وقتی به کتابها و دعا ها و نماز توجه دارم و استفاده می‌کنم به خدا نزدیک هستم ولی کافیه فقط شرایطی پیش بیاد که مجبورم مدتی نماز نخونم و نتونم وصل بشم خیلی زود حس می‌کنم از خدا دورم و به شیطان نزدیک واقعا این حال رو بد میکنه وقتی به خودم میام و می‌فهمم اشتباه کردم. حس می‌کنم انگار زخم عمیقی به قلبم نشست واقعا حس می‌کنم چقد از خدا دور شدم. چکار کنم با سستی ایمان؟ نمیدونم هرچی هم تلاش می‌کنم باز تو تله خیال ذهن و شیطان می‌افتم با اینکه کتاب ادب خیال و قلب رو هم مطالعه کردم با تشکر اگه راهکاری دارید ممنون میشم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال این قبض و بسط‌ها زمینه‌ی پخته‌شدن جان انسان می‌شود زیرا حضرت امیر در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ» این دل، مثل فصول چهارگانه است، یعنی مثل زمان که گاهی بهاری دارد و گاهی پاییزی، گاهی اقبالی دارد و گاهی ادباری. اگر دل در حالت بهار بود، شکوفایی و اقبال داشت، از نوافل نگذرید، سعی کنید، نافله‌ها را ترک نکنید و اگر دل، آن آمادگی را ندارد، شما بر دل تحمیل نکنید و فقط واجب‌ها را انجام دهید، نگویید حتماً نماز شب بخوانم چرا که آن نماز شبی که با ادبار دل همراه است، با کراهت آمیخته است و کمتر انسان، توفیق پیدا می‌کند، لذا حضرت فرمود: دل خود را نرنجانید و با دل کنار بیایید. تجربه‌ای که در این مسیر به دست می‌آید کارساز است. احساس می‌شود حالت ادبار زمانه بیشتر شده است و کار را سخت کرده. موفق باشید